



درباره سریال «سایه روشن» که روی آنتن شبکه تماشافت فراموشکاری با گلوله‌ای در سر



تعداد تولیدات اکشن جنایتکارانه

هیجانی و دلهره‌آور در دنیای تلویزیون اصلا کم نیست و هر ساله تماشاگران قاب کوچک شاهد تولید و پخش سریال‌هایی با این مضمون محبوب و پرتعداد هستند اما تماشاگران

«سایه روشن» آن را یکی از بهترین مجموعه‌هایی می‌دانند که رسانه تلویزیون در تمام مدت فعالیت خود تهیه و تولید کرده است. بسیاری از منتقدان و تحلیلگران هنری می‌گویند،

شاید بتوان به این ادعا خرده گرفت و آن را صددرصد قبول نکرد و با این حال، میزان رضایت عموم تماشاگران از این اکشن هیجانی پررمزوراز حکایت از مقدار بالای محبوبیت آن در بین عامه

می‌کند. نکته جالب این است که بعد از پخش بسیار موفقیت‌آمیز سایه روشن در سال ۲۰۱۲، شمار زیادی از تولیدات این ژانر در حال و هوایی شبیه این سریال تولید و روی آنتن رفتند.

فقط یک فصل

سایه روشن تنها در یک فصل تولید شد و بعد از پخش هفت اپیزود آن، فصل دیگری از آن در دستور کار تهیه‌کنندگان قرار نگرفت. هوگو بلیک، خالق سریال برابن باور بود که چنین مجموعه و داستانی را باید در همان یک فصل به سرانجام رساند و هیچ دلیلی برای کش دادن ماجرا و دنبال کردن حوادث دیگر در دل این داستان وجود ندارد. بلیک که از جمله تهیه‌کنندگان سرشناس و معروف تلویزیون انگلستان به حساب می‌آید در کنار نگارش فیلمنامه سایه روشن، وظیفه کارگردانی تمامی قسمت‌های آن را نیز به عهده گرفت. به همین دلیل است که منتقدان تلویزیونی انگلیسی با قاطعیت می‌گویند او حقیقتا خالق این سریال است، زیرا تمام کارهای اصلی‌اش را خودش به‌تنهایی انجام داده است!

پرسش و پاسخ جنجالی

در رأس بازیگران سریال، چوپیتل اچيوفور قرار دارد که این روزها از جمله ستارگان سرشناس دو عالم سینما و تلویزیون است و با سایه روشن توانست به جایگاه بلندی در بین بازیگران هم نسل خود برسد. کریستوفر اکلستون، راف اسپال و کریستینوارینگ از دیگر بازیگران این اکشن هیجانی جنایتکارانه هستند. اولین اپیزود سریال اوایل ماه آوریل ۲۰۱۱ طی مراسم خاصی در یکی از مکان‌های هنری و قدیمی شهر لندن روی پرده رفت و با استقبال بسیار خوب تماشاگران، مهمانان و منتقدان روبه‌رو شد. بلافاصله بعد از نمایش این اپیزود، یک جلسه پرسش و پاسخ با هوگو بلیک برپا شد که تعداد بالای پرسش‌ها حکایت از آن داشت که تماشاگران بسیار سخت تحت تأثیر داستان و فضای سریال قرار گرفته‌اند و این نکته را می‌شد در ذوق زدگی آنها و نوع

سؤالات‌شان کاملاً دید و متوجه شد. انتشار جزئیات این جلسه در مطبوعات، اشتیاق عمومی مردم برای دیدن آن را بالا برد. همین واکنش بعد از پخش تلویزیونی سریال رخ داد و نشان داد که ذوق زدگی تماشاگران در آن جلسه نمایش ویژه و خصوصی بی‌دلیل نبوده است.

مأموری متفاوت

اچيوفور، بازیگر رنگین پوست سینما که از جمله فعالان اجتماعی در زمینه مبارزه با تبعیض نژادی است، در سریال در قالب یک کارآگاه مسئول و فعال به نام جونا گابریل ظاهر شده است. او مأموری مبتلا به فراموشی

است که گلوله‌ای هم در سر دارد. با این حال، تمام تلاش گابریل این است که مأموریت‌های محوله را به بهترین شکل ممکن انجام داده و برای هر جنایتی یک پاسخ مشخص داشته باشد. برای همین زمانی که مسئول پیگیری پرونده قتل هنری وراتن شده و تحقیقات پیرامون مرگ مشکوک او را آغاز می‌کند، با خود عهد می‌بندد که جنایتکاران را پیدا و به دست عدالت بسپارد.

یک رازگشایی مجهول

نقش مهم دیگر سریال را کریستوفر اکلستون بازی می‌کند. او جوزف بید، مشاور اصلی امپراتوری هنری وراتن است که

دریچه

تجربه منحصر به فرد

اچيوفور حضور در سایه روشن را یکی از نقاط برجسته کارنامه کاری خود ارزیابی کرده و می‌گوید: «زمانی که چنین فیلمنامه‌ای با چنین مشخصاتی به بازیگر ارائه می‌شود، او باید بدون هیچ درنگی بازی در آن را قبول کند. در تاریخ کار هر بازیگری چنین پیشنهادهای بسیار کم اتفاق می‌افتد و به همین دلیل، باید نهایت استفاده را از آن کرد. من آدم خوش‌شانسی بودم که در اوایل کار حرفه‌ای‌ام توانستم چنین پیشنهادی داشته باشم و در جلوی دوربین، کاراکتری اینچنین متفاوت و خاص را به تصویر بکشم. بعد از حضور در سایه روشن و طی سال‌های بعد، همچنان منتظر تکرار چنین تجربه و پیشنهادی هستم و با این که در فیلم‌ها و سریال‌های خوب و قابل تأمل دیگری هم بازی داشته‌ام اما آن تجربه همچنان منحصر به فرد و استثنایی است.»

در عین حال، سازمان‌دهنده یک گروه فعال در زمینه مواد مخدر است. استفن ریادیکر بازیگر مطرح و قدیمی انگلیسی در این سریال نقش گیتهاوس را به عهده دارد. او یکی از کاراکترهای ضدقهرمان ماجراست که شخصیتی عصبی و پرخاشگر دارد و بارفتار رموز خود، حوادثی را دامن می‌زند. تمامی کاراکترهای داستان در خدمت نمایش تحقیقات گسترده‌ای هستند که پیرامون یک قتل پررمزوراز رخ داده و قرار است هر دو گروه مأموران پلیس و جنایتکاران را دربر بگیرد. روش‌هایی که برای حل این پرونده به اجرا گذاشته می‌شود، شباهت چندانی با پرونده‌های مشابه ندارد و همین مسأله، داستانی را به مسیری غیرقابل پیش‌بینی می‌برد. در این بین، رازی وجود دارد که اگر آشکار شود، می‌تواند به نابودی کل ملت بینجامد و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا باید رازگشایی صورت گیرد یا خیر.

دلیلی برای موفقیت

هوگو بلیک در رابطه با داستان خاص سریال چنین می‌گوید: «یکی از دلایل موفقیت بسیار زیاد مجموعه و علاقه‌مندی تماشاگران به آن، در این نکته نهفته که با وجود هیجانی و پررمزوراز بودن آن، تماشاگران با عناصری تازه رودررو می‌شوند که تا قبل از این در کارها و آثار مشابه ندیده و تجربه نکرده بودند. این تازگی به کمک سریال آمد تا تجربه‌ای را با تماشاگران خود و به اشتراک بگذارد که بسیار بدیع و پیش‌بینی نشده بود. برخلاف آثار مشابه، در اینجا داستان و ماجرا از هر دو سوی پلیس‌ها و جنایتکاران تعریف می‌شود و آلترناتیوی که به وجود می‌آید، شکی در دل تماشاچی ایجاد می‌کند که پرسش‌هایی را برای خود مطرح کند و بپرسد تمامی این ماجراها را از چه نگاه و منظری باید دید و قضاوت کرد.»